

مقدمه

آدام اسمیت را پدر علم اقتصاد می‌دانند؛ زیرا با انتشار کتاب ثروت ملل در سال ۱۷۷۶ سازوکار اقتصاد آزاد را معرفی کرد. از نظر او، در بازار رقابت کامل، اگر افراد به دنبال نفع شخصی باشند، بازار مانند دست نامرئی عمل کرده، رفاه همه افراد جامعه را تضمین می‌کند. پس از انتشار نظر/اسمیت، با گذشت چندین قرن، علم اقتصاد سنتی همچنان بر اساس ایده او توسعه پیدا کرده است. در بطن مفهوم تعادل، در نظریه‌های اقتصادی، «دست نامرئی»/اسمیت کار می‌کند.

اسمیت با بیان «دست نامرئی»، پیروی از نفع شخصی را تضمین کننده رفاه جمعی می‌داند. این دیدگاه در چارچوب مفهوم عقلانیت مطرح شده است. یکی از تعاریف «عقلانیت» حداکثر کردن نفع شخصی است. این رویکرد در واقع، بر ضرورت یک تطابق خارجی میان گزینش‌هایی که یک شخص انجام می‌دهد و نفع شخصی او مبتنی است (سن، ۱۳۷۷، ص ۱۶) از نظر آمارتیاسن، مشکل این رویکرد به عقلانیت در این است که چرا باید عقلانی بودن منحصرأ «پی جویی نفع شخصی به معنای حذف تمام اهداف دیگر» تعریف شود. در واقع، این ادعا که حداکثر کردن نفع شخصی غیر عقلانی نیست، جای مناقشه ندارد؛ اما این استدلال که هرچیز جز نفع شخصی باید غیر عقلانی به حساب آید شگفت‌انگیز است. (سن، ۱۳۷۷، ص ۱۷).

اسمیت یک فیلسوف اخلاقی بود. اولین کتاب وی نظریه احساسات اخلاقی بود و پس از آن کتاب ثروت ملل را منتشر کرد. او در کتاب اول خود، به گروه وسیعی از فضایل توجه کرد؛ از جمله: تدبیر، هشیاری، احتیاط، مال اندیشی، میانه‌روی، وفای به عهد، حفظ سلامت، بخت و اقبال، مقام، و شهرت. او انباشت سرمایه را از گونه‌های پست تدبیر می‌داند به تدابیری که همه محاسبه‌ای عقلانی هستند. کانون توجه اقتصاد جریان غالب و تفسیرهای اثبات‌گرایانه/اسمیت است. او «خیرخواهی» را در جایگاه بالاترین فضیلت اخلاقی مطرح کرده است (الوی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸).

اسمیت در کتاب بعدی خود، یعنی ثروت ملل، موضوع «نفع شخصی» را مطرح کرد. این امر مبنای بخش عمده‌ای از نظریه‌پردازی‌های اندیشمندان بعدی قرار گرفت، به گونه‌ای که اندیشه‌های وی را می‌توان نقطه عطفی در نظام سرمایه‌داری برشمرد (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳).

آمارتیاسن این موضوع را این گونه بیان می‌کند: «به نظر می‌رسد بسیاری از تحسین‌کنندگان/اسمیت از عبارت او درباره قصاب و آبجو فروش فراتر نرفته‌اند، اما اگر همین عبارت ساده را با دقت بخوانیم، متوجه می‌شویم که هدف/اسمیت در اینجا، نشان دادن این موضوع است که داد و ستدهای معمولی در بازار، چرا و چگونه رخ می‌دهند، و چرا و چگونه تقسیم کار عملی می‌شود؟ این دقیقاً موضوع همان

تجزیه و تحلیل مفاهیم اخلاقی اسلامی ناسازگار با چارچوب اقتصاد متعارف و کارکردهای اقتصادی آنها

masuminia_ali@yahoo.com

علی معصومی‌نیا / استادیار اقتصاد دانشگاه علوم اقتصادی

ک ناصر یارمحمدیان / دکتری اقتصاد دانشگاه علوم اقتصادی

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۳۱

چکیده

یکی از اهداف اخلاق ساختن انسان‌هایی است که به صورت خودکار، و بدون نیاز به الزام قانونی، حقوق یکدیگر را رعایت نمایند. مقاله حاضر به روش «تحلیلی - توصیفی» مفاهیم اخلاق اقتصادی اسلام و کارکرد آن در نظام اقتصادی را بررسی می‌کند. بنا به فرضیه مقاله، گسترش اخلاق اسلامی موجب شکل‌گیری تعادل‌هایی در سطح بالاتر از وضعیت تعادلی مبتنی بر نفع شخصی می‌شود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد برخی آموزه‌های اسلامی از قبیل اهتمام به علم، سفارش به تعقل، تشویق کار و فعالیت، استفاده بهینه از امکانات، هدر ندادن منابع، متقن انجام دادن کارها در نظام سرمایه‌داری نیز توصیه می‌شود. در مقابل، آموزه‌هایی از قبیل سفارش به زهد، نکوهش اقبال به دنیا، نکوهش حرص و مصرف مافوق کفاف، قناعت، کمک به دیگران و رزق مقدر ویژه نظام اقتصادی اسلام است. این امر حاکی از مغایرت نظام اخلاق اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری است. آموزه‌های اخلاقی اسلام از طریق پالایش درونی آحاد جامعه، ضمن ارتقای معنوی انسان‌ها، موجب کاهش هزینه مبادله، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش شفافیت در بازار، و افزایش کارایی می‌شوند. نتیجه این امر به حداقل رسیدن پیامدهای ناشی از اصالت نفع شخصی و مقابله با شکست بازار از طریق شکل‌دهی انگیزه‌های مردم است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اقتصادی، اقتصاد اسلامی، هزینه مبادله، سرمایه اجتماعی، بازار.

طبقه‌بندی: JEL: B49, P48, P4

می‌پردازیم. در ادامه کارکردهای اخلاق در نظام اقتصادی مطالعه می‌شوند و نشان داده می‌شوند که چگونه این آموزه‌ها بدون تحمیل هزینه و بدون نیاز به سازوکار اجرایی یا نظارت، می‌توانند اهداف مورد نظر را تأمین کنند. در بخش پایانی، شرایط تأثیرگذاری اخلاق بر اقتصاد و رفتارهای اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه موضوع

در زمینه رابطه اخلاق و اقتصاد اسلامی مطالعات چندانی انجام نشده است. در ادامه به برخی مطالعات این حوزه نظری اشاره می‌شود.

میرمعزی (۱۳۷۸) تفسیر نظام سرمایه‌داری از رفاه، رشد و عدالت و اولویت‌بندی آنها را برداشت خاصی از «سعادت فرد و جامعه» می‌داند که با نگرش اسلام به انسان و جامعه در تعارض است. جلداری عالی و میرمعزی (۱۳۹۲) با هدف ارائه الگوی اسلامی از اخلاق مصرف با رویکرد بین رشته‌ای اخلاقی- اقتصادی که بتواند الگویی برای نسل‌های گوناگون قرار گیرد، رابطه معیارهای اخلاقی، از جمله انفاق، زهد، تقدیر معیشت و قناعت را با الگوی مصرف بررسی کرده‌اند. آنها، در نهایت، به این نتیجه رسیده‌اند که شکل‌گیری الگوی مصرف، از مبانی نظری مبتنی بر توحید آغاز می‌شود و هدف‌های مورد نظر از آن‌ها نتیجه گرفته می‌شود. بر اساس مبنای اخلاقی الگو، انگیزه رفتاری که محرک انسان برای حرکت به سوی هدف‌ها باشد نیز شکل می‌گیرد. بر اساس ملاک‌های اصول اخلاقی، نتیجه گرفته می‌شود که در صورت عمل به آن‌ها و رعایت تمامی حدود و شرایط، هدف‌های منظور نظر حاصل خواهد شد.

علیرضا رحیمی بروجردی (۱۳۹۲) در کتاب *اقتصاد اخلاقی*، روابط علم، اخلاق و علم اقتصاد و همچنین نقش فلسفه اخلاق و اخلاق در توسعه اقتصادی از دیدگاه مکاتب اقتصادی را بررسی نموده است. وی همچنین به مباحث اخلاقیات حرفه‌ای به تفصیل پرداخته است.

میرمعزی (۱۳۹۳) با نگاهی جدید تحت عنوان «اقتصاد برکت»، که یکی از اصول اخلاقی اسلام نیز است و ریشه در جهان‌بینی و نگرش انسان مسلمان به دنیا دارد، به بررسی علل کاهش و یا افزایش نعمت‌های لازم برای رسیدن انسان و جامعه به سعادت می‌پردازد. از نظر او، علل و عوامل افزایش نعمت‌ها، افعال جوانحی و جوارحی مردم است. این افعال فقط از راه مادی موجب افزایش یا کاهش نعمت نمی‌شود، بلکه در نظام علت و معلولی مادی و مجرد حاکم بر جهان، بر افزایش یا کاهش نعمت اثر می‌گذارند.

فصلی از کتاب اوست که عبارت مزبور از آن نقل می‌شود. اما این واقعیت که /سمیت به رواج معامله دو طرفه سودمند توجه کرد، به هیچ وجه مبین آن نیست که او صرف خود دوستی را برای رسیدن به یک جامعه خوبی می‌دانست در واقع، او دقیقاً معتقد به عکس آن بود. (سن، ۱۳۷۷، ص ۲۶).

تبادل در بازار رقابتی، که /سمیت پایه‌گذار آن بود، یکی از حالت‌های خاص از تعادل کلی‌تر است که در آن نفع شخصی دنبال می‌شود، در حالی که می‌توان تعادلی را تصور کرد که با وجود اخلاق و گسترش فضیلت‌های اخلاقی، وضعیت تعادلی را به سطح بالاتری از این حالت خاص انتقال دهد. واژه «اخلاق» از نظر لغوی، جمع «خُلُق» به معنای خوی، طبع، سنجیه و عادت است، اعم از اینکه آن سنجیه و عادت نیکو باشد یا زشت و بد. برای مثال، علم اخلاق به «علم آگاهی و اطلاع از عادات و آداب و سجایای بشری» تعریف شده است (ژانه، ۱۳۷۳، ص ۵۳).

دانشمندان علم اخلاق و فیلسوفان برای «اخلاق» تعاریف متعددی بیان کرده‌اند. آنچه از میان تعریف‌های دانشمندان اسلامی می‌توان جمع بندی نمود عبارت است از: «اخلاق کیفیتی برای نفس آدمی است که رفتارهایی متناسب با آن از انسان بروز می‌کند. در اسلام، رفتارهای متناسب با انسان رفتارهایی است که در طول بندگی پروردگار است و انسان را به خدا نزدیک‌تر می‌کند».

عرصه‌های گوناگونی از زندگی اقتصادی وجود دارد که به نظر می‌رسد هنجارهای اخلاقی در آن مؤثر است. برای مثال، معضلاتی همچون پیامدهای جانبی آلودگی هوا ممکن است تا حدی از طریق مجازات‌های قانونی کاهش یابد، اما هنجارهایی که بر ضد چنین رفتارهای هنجارشکن در جامعه شکل می‌گیرد، می‌تواند نقش مهمی در برابر این مشکل ایفا کند. این موضوع در خصوص تامین کالاهای عمومی و همچنین درباره رأی‌گیری صدق می‌کند (هازمن و مک فرسن، ۱۳۸۶، ص ۹۸).

برای روشن شدن جایگاه اخلاق در نظام اقتصادی اسلام، لازم است مجموعه اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی اسلام را در نظر گرفت، اجزای اخلاقی به معنای یاد شده را از اجزای غیر اخلاقی تفکیک کرد و سپس جایگاه و تأثیر آموزه‌های اخلاقی را تحلیل نمود. البته چون بخش عمده تعالیم اقتصادی اسلام همراه با اخلاقیات است تفکیک کاری مشکل و در مواردی محال است.

بخشی از ضوابط اخلاقی عبارت است از: کراهت شکایت از کمی سود، نکوهش تبلیغات، اجتناب از مداخله در معامله دیگران، نهی از دلالتی‌های مخل، نفی رفتار انحصارگرایانه، در نظر داشتن ارزش‌های اخلاقی در دریافت سود، یاد خداوند هنگام داد و ستد، حسن خلق، توکل به خدا، انصاف، و احسان.

در این مقاله، پس از مرور کوتاهی بر پیشینه موضوع و بررسی رویکرد اسلام نسبت به انسان و اخلاق، به تحلیل برخی از آموزه‌های اخلاقی اسلام، که با چارچوب اقتصاد متعارف ناسازگار است،

معصومی نیا (۱۳۸۶) در مقاله «اخلاق اقتصادی (مبانی بینشی، آموزه ها و آثار)» اخلاق را به عنوان پالایشگر درونی مطرح نموده است که علاوه بر ارتقای معنوی انسان‌ها، بین انگیزه های شخصی و منافع عمومی هماهنگی ایجاد می‌کند.

تبیین آموزه های اخلاق اقتصادی اسلام، که در مقاله حاضر آمده تازه نیست، اما تحلیل های جدیدی از کارکرد اقتصادی آنها ارائه گردیده که در آثار گذشته، به این شکل مشاهده نمی شود و گامی نو محسوب می‌شود.

انسان مسلمان و اخلاق

از نظر انسان مسلمان، تمام لذت‌ها، از جنس لذت مادی نیست و تمام زندگی به دنیای مادی محدود نمی‌گردد. انسان مسلمان به زندگی ابدی پس از مرگ اعتقاد دارد. بنابراین، بخشی از زندگی او در آن جهان است که حاصل عمل این جهانی اوست. بدین‌رو، از نظر او، عقلایی است که برای کسب لذت‌های بیشتر در دنیای ابدی، از برخی لذت‌های زودگذر مادی چشم‌پوشی کند. یا به عبارت دیگر، لذت‌های با دوام اخروی را جانشین لذت‌های فانی مادی کند؛ زیرا از نگاه آیه‌های قرآن، انسان موجودی دو بعدی است. او دارای یک «بعد مادی» است که بدن اوست، و بعد «غیر مادی» که روح اوست، و حقیقت انسان به روح اوست (حجر: ۲۸-۲۹). از این‌رو، انسان مسلمان تنها به رعایت مرزهای حقوقی اکتفا نمی‌کند، بلکه برای دستیابی به درجات بالا، درصدد تخلق به اخلاق الهی نیز برمی‌آید.

گرچه رعایت اخلاقیات ضمانت اجرایی ندارد، اما هدف بعثت حضرت رسول اکرم ﷺ شمرده شده است. در این صورت، یک مسلمان به وضوح درمی‌یابد که بدون دستیابی به مکارم اخلاقی، امکان وصول به هدف بعثت وجود ندارد. ملاحظه تعالیم اقتصادی اسلام نیز این مهم را ملموس‌تر می‌نماید. تقریباً تمامی این تعالیم چنان با اخلاق آمیخته شده که تفکیک آنها بسیار مشکل است. این امر یک مسلمان را به این نتیجه می‌رساند که بدون تقید به اخلاق در حوزه اقتصاد، کسب رضایت الهی مشکل و حتی ناممکن است. برای اجتناب از ادعای بدون دلیل، تنها دو نمونه ذکر می‌شود:

امام صادق ﷺ می‌فرماید: «حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: هر کس به خرید و فروش می‌پردازد باید پنج شرط را رعایت کند. در غیر این صورت، نه بخرد و نه بفروشد: ۱. ربا؛ ۲. سوگند؛ ۳. پوشاندن عیب (کالا)؛ ۴. ستودن کالا هنگام فروش؛ ۵. مذمت کالا هنگام خرید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۹۶) ملاحظه می‌شود که اجتناب از سوگند، ستودن کالا هنگام فروش و مذمت هنگام خرید اخلاقی هستند، اما با بیشترین تأکید سفارش شده‌اند. حضرت فرمودند: هر کس از این

اعمال اجتناب نکند حق خرید و فروش ندارد. این در حالی است که انواع گوناگون فعالیت‌های اقتصادی بدون خرید و فروش امکان ندارد.

در روایت دیگری امام صادق ﷺ به صراحت، جامعه ای را که در آن مواسات حاکم نباشد، شیعه نمی‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۲۵۴). مواسات یعنی اینکه تمامی آحاد جامعه دیگران را در آنچه دارند شریک کنند که این امر دستوری کاملاً اخلاقی است.

اقتصاد اسلامی از ابتدا به عنوان یک اقتصاد اخلاقی پایه‌گذاری شده است. اسلام خواسته است انسان‌ها حتی فعالیت‌های اقتصادی و تأمین نیازهای مادی را وسیله دستیابی به کمالات انسانی قرار دهند. از این‌رو، انجام واجبات مالی از قبیل پرداخت خمس و زکات مشروط به «قصد قربت» مشروط گردیده است که سبب تعالی اخلاقی و معنوی انسان می‌شود. مراد از «اخلاق» در مقاله حاضر، تنها فضایل و ردایب نفسانی نیست، بلکه افعال ناشی از آنها نیز در قلمرو تحلیل‌های ما قرار دارد. به فرموده شهید مطهری، اخلاق علم چگونه زیستن، چگونه بودن و چگونه مردن است. چگونگی زیستن شامل رفتار و ملکات می‌شود؛ یعنی انسان چگونه باید رفتار کند، و چگونه ملکاتی داشته باشد تا از نظر روحی دارای ماهیت و واقعیت با ارزش و مقدسی شود (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۷۱۴).

تحلیل اقتصادی برخی آموزه‌های اخلاقی اسلام

آموزه‌های اخلاقی اسلام به واسطه ارتباط با اصول اعتقادی مسلمانان تأثیر مستقیمی بر رفتارهای اقتصادی آنها دارند. فهم دقیق و درست از این آموزه‌ها و زدودن پیرایه‌ها و تفسیرهای غلط از آن نقش مهمی در تحلیل کارکرد اقتصادی آنها دارد.

آموزه‌های اخلاق اقتصادی اسلام را می‌توان در دو دسته زیر جای داد:

الف. آموزه‌های اسلامی سازگار با آموزه‌های سرمایه‌داری، از جمله اهتمام به علم، سفارش به تعقل، تشویق کار و فعالیت، استفاده بهینه از امکانات، هدر ندادن منابع و متقن انجام دادن کارها.

ب. آموزه‌های اسلامی ناسازگار با آموزه‌های سرمایه‌داری، از جمله سفارش به زهد، نکوهش اقبال به دنیا، نکوهش حرص و مصرف مافوق کفاف، قناعت، کمک به دیگران و رزق مقرر.

وجود دسته دوم از آموزه‌ها بیانگر این حقیقت است که بخشی از آموزه‌های اسلامی و روح حاکم بر آن با بخشی از آموزه‌های سرمایه‌داری در تقابل است. در نظام سرمایه‌داری، انسان کار می‌کند و کار خود را به صورت متقن انجام می‌دهد، از امکانات و منابع، به صورت بهینه استفاده می‌کند؛ اما انگیزه او از این تلاش صرفاً حرص و کسب لذت مادی است. اما انسان اقتصادی اسلامی اقدامات دسته اول را

با هدف تأمین نیازهای ضروری برای داشتن زندگی شرافتمندانه انجام می‌دهد و به دنبال تعاون در نیکی و تأمین نیازهای جامعه انسانی است. در ادامه، برخی از آموزه‌های اسلام، که در دسته دوم قرار دارند تجزیه و تحلیل می‌شوند.

الف. زهد و قناعت

زهد و قناعت با آموزه‌های اقتصاد متعارف در تعارض است. افرادی همچون ماکس وبر کنار گذاشتن آموزه‌های کلیسای کاتولیک و تجدید نظر در آن توسط پروتستان‌ها را عامل پیشرفت مادی دنیای غرب معرفی می‌کنند. کاتولیک‌ها غالباً قانع بودند و حاضر به تغییر وضع موجود نبودند، اما پروتستان‌ها با استقبال از سختی‌ها و مشقت‌ها و استفاده کم از لذت‌ها و با کار زیاد؛ روح سرمایه‌داری را ایجاد نمودند (وبر، ۱۳۹۰، ص ۶۱). از سوی دیگر، نظریه‌پردازانی از قبیل ماندویل ترویج حرص و طمع را، که در طبیعت انسان‌ها وجود دارد، تشویق می‌کردند. از این روست که توصیه به زهد و قناعت در تعارض با اقتصاد متعارف تلقی می‌شود.

در فرهنگ اسلامی، به زهد و دوری از دنیا سفارش زیادی شده است. برای نمونه، خداوند می‌فرماید: «قل متاع الدنيا قليل» (نساء: ۱۷)؛ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «همانند زاهدان به دنیا بنگرید» (نهج البلاغه، خ ۱۰۳).

در نگرش اسلامی، معنای اصلی «زهد» نفی وابستگی قلبی و بی‌رغبتی به تعلقات دنیوی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «دو کلمه از قرآن زهد را تفسیر می‌کند: "تا بر آنچه از دست دایم دست نماند" ف مخورید، و بدانچه دست یافته‌اید شاد نگردید". و آنکه بر گذشته تأسف نخورد و بر آنچه دست یافته است شادمان نگردد، دو طرف زهد را به دست آورده است» (همان، خ ۴۳۱). بر این اساس، هرگز «زهد» به معنای کم کار کردن نیست. سیره خود حضرت به عنوان امام زاهدان، بر خلاف این مطلب است. فعالیت‌های اقتصادی گسترده ایشان از مسلمات تاریخ اسلام است. در این صورت، بر خلاف برخی پندارها، حاکمیت روحیه زهد اثرات اقتصادی فراوانی دارد. زاهد بیشترین تولید و کمترین مصرف را دارد. با افزایش روحیه زهد، مصرف کاهش یافته و با توزیع متعادل‌تر درآمد، مازاد بر کمک نیازمندان، پس‌انداز می‌شود و به رشد اقتصادی کمک می‌کند.

زهد سبب دوری از مصارف تجملی و اسراف و تبذیر امکانات می‌شود. در کتاب و سنت در خصوص قناعت نیز توصیه‌های فراوانی وجود دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام «حیات طیبه» در آیه شریفه «فلنحیینه حیاة طیبه» (نحل: ۹۷) را به «قناعت» تفسیر کرده‌اند. آن حضرت یکی از ویژگی‌های مهم پیامبران الهی را

قناعت دانسته‌اند. ایشان می‌فرمایند: همان‌گونه که از دشمنت با قصاص انتقام می‌گیری، از حرصت نیز با قناعت انتقام بگیر. آن حضرت در بیانات دیگر، قناعت را پادشاهی، عامل حفظ عفت، بلندی همت، سبب عزت نفس و عامل احساس بی‌نیازی دانسته است (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۶۴).

یکی از آثار قناعت کاهش مصرف و افزایش پس‌انداز و در نتیجه، مهیا شدن دست‌مایه لازم برای سرمایه‌گذاری‌های لازم است. این امر در خصوص اقتصادهای رشد نیافته لازم‌تر است؛ زیرا مشکل عمده این‌گونه کشورها تولید کم و مصرف بالای ناشی از روحیه حرص و طمع است. یکی از آثار مهم قناعت آرامش روانی است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: قناعت سبب بی‌نیازی می‌شود (محمد ری‌شهری، ۱۴۱۶، ۳۹۰، ص ۲۶۴). اگر هدف مصرف کالاها و خدمات تأمین نیاز و کسب آرامش است و انسان بیش از حد معینی توان کسب درآمد ندارد، پس چه بهتر که این مهم را بدون صرف هزینه‌ای با قناعت به دست بیاورد. از این رو، در روایت، «قناعت» بالاترین درجه بی‌نیازی و بزرگ‌ترین گنج، و انسان قانع متنعم‌ترین انسان شمرده شده است (محمد ری‌شهری، ۱۴۱۶، ۳۹۰، ص ۲۶۴).

درباره رابطه بین «زهد» و «قناعت»، می‌توان گفت: «قناعت زمینه رسیدن به زهد را فراهم می‌کند و برخورداری از زهد نیز تحقق روحیه قناعت را آسان می‌کند.» (رضایی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۱۶۷). ممکن است گفته شود: با گسترش روحیه زهد و قناعت در جامعه، تولیدات مصرف نمی‌شوند؛ در نتیجه، رشد اقتصادی ضربه می‌خورد. در جواب باید گفت: چون نعمت‌های مادی تحریم نشده‌اند، عموم مردم در جهت برخورداری از آنها، بخش عمده‌ای از درآمد خود را مصرف می‌کنند. علاوه بر آن، گسترش زهد صرفاً بر مصرف اثرگذار نیست، بلکه بخشی از درآمدهای مازاد ناشی از زهد از برخی دهک‌ها به سایر دهک‌ها انتقال یافته و توزیع مصرف را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین، میزان کاهش مصرف کمتر از کاهش تقاضا به خاطر زهد است و همین امر از اثرات کاهش بر تولید می‌کاهد.

توصیه به زهد جامعه اسلامی را از ورطه مصرف‌گرایی افراطی نجات می‌دهد. تجربه تاریخی نشان داده است هرگاه جامعه اسلامی دچار دنیاگرایی شده، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به دنبال داشته است. نمونه بارز آن وضعیتی است که پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیش آمد. فتوحاتی که در زمان خلفا پیش آمد ثروت‌های فراوانی را به مرکز خلافت انتقال داد و موجب گسترش روحیه رقابت برای رسیدن به این ثروت‌ها شد و به همین سبب قسمت عمده‌ای از جامعه اسلامی به فساد کشیده شد.

رزق مقدر

مقدر بودن رزق نیز از آموزه‌های خاص اقتصاد اسلامی است. قرآن کریم می‌فرماید: «هیچ چیز نیست، مگر اینکه خزانه‌های آن نزد ماست، و ما آن را فقط به اندازه مشخص می‌فرستیم» (حجر: ۲۱). یا «هیچ

جسمی، آفت‌های طبیعی، ظلم دیگران یا امتحان الهی نتواند بر فقر فائق آید؛ در این صورت، وعده‌های یاد شده در نصوص سابق بهترین عامل تسلی‌بخش برای او خواهد بود. فقر به ایمان چنین انسانی خللی وارد نمی‌کند؛ مثلاً در ابتدای هجرت به مدینه، مهاجران خانه و کاشانه خود را رها کرده و در وضعیت سختی به مدینه مهاجرت کردند و زندگی خود را در آنجا آغاز کردند و هیچ خللی هم در ایمانشان به وجود نیامد.

در دستورهای اخلاقی اسلام تأکیدات فراوانی بر حفظ کرامت فقرا شده است؛ تأکید بر عفت نفس، اظهار فقر نکردن، کاستن شهوت‌ها، عدم تلقین فقر به خود، و مأیوس نشدن از جمله این دستورها است (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶، ص ۱۶۱۱-۱۶۱۲).

نتیجه آنکه فقر امری نکوهیده است و هیچ کس حق ندارد از کوشش و فعالیت کوتاهی کند. تأثیر این نگاه، توسعه فعالیت در اقتصاد است که فقر را از اقتصاد و جامعه ریشه کن می‌کند.

امام باقر^ع از پدرش نقل می‌کند که امیر المؤمنین^ع مکرر می‌فرمودند: هر کس آب و خاک داشته باشد و باز هم فقیر باشد، خداوند وی را از رحمت دور می‌کند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق؛ ص ۱۷ و ج ۴۱). در بسیاری از موارد، فقر حاصل برخی عواملی است که در اختیار انسان است؛ مانند سوء مدیریت، وجود روحیه کسالت و تنبلی، ضعف عقلانیت. چنین عواملی را می‌توان با کار و فعالیت و تفکر را برطرف کرد و فقر را از بین برد.

د. انصاف

در روایات اهل بیت^ع تأکید بسیاری بر رعایت انصاف در تعاملات اقتصادی شده است. امام صادق^ع می‌فرمایند: انصاف با مردم وقتی تحقق می‌یابد که هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز همان را بخواهی (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۱۴۵).

امام باقر^ع و امام صادق^ع تأکید بسیاری بر رعایت انصاف در تجارت نموده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸۶ و ۲۹۳ و ۳۱۰).

رعایت انصاف مانند گوهری است که وجودش در نظام اقتصادی موجب شکوفایی و رفاه جامعه می‌شود؛ زیرا هر کس خود را در جایگاه دیگری قرار می‌دهد و تصمیم‌گیری می‌کند. رعایت انصاف در مبادلات، موجب تعیین قیمت عادلانه در بازار می‌شود به گونه‌ای که تولیدکننده و عرضه‌کننده بازار خود را در جای متقاضی قرار می‌دهند و گران‌فروشی یا کم‌فروشی نمی‌کنند. در این صورت، آثار منفی در اقتصاد به حداقل می‌رسد. در مبادله کسی به دیگری ظلم نمی‌کند و آثار زیان‌بار تصمیم‌های افراد،

جنبه‌های نیست، مگر اینکه رزقش را خداوند تضمین کرده است» (هود: ۶). ممکن است تصور شود این اعتقاد سبب رخوت و رکود اقتصاد می‌شود. این پندار نادرست است. برای فهم درست تک تک مفاهیم کتاب و سنت، باید مفاهیم مرتبط را در نظر بگیریم. توصیه‌های بی‌شماری که در باره لزوم کار و تلاش وارد شده ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که مسلمان ضمن اعتقاد به این که روزی‌اش در دست خود را به انجام فعالیت خداست، اقتصادی موظف می‌داند. این اندیشه مانع از بروز پیامدهای منفی فعالیت‌های اقتصادی از جمله اثرات خارجی منفی، رانت‌جویی، تبانی، انحصار و احتکار می‌شود. پرهیز از حرص و ولع مصرفی در دوران بحران و کمیابی، و انبار نکردن کالاها نیز یکی از نتایج اعتقاد به رزق مقدر است. اعتقاد به این آموزه فعالیت‌های بورس بازی را نیز به حداقل می‌رساند و تأثیرات مخرب آن بر فعالیت‌های اقتصادی را از بین می‌کند.

یکی از علل بیکاری در اقتصادهای امروزی با سازوکار بازار، بیکاری غیر ارادی است. بیکاری غیر ارادی زمانی رخ می‌دهد که دستمزدها به سبب نظریه «دستمزد کارایی» بیش از دستمزد تصفیة‌کننده بازار باشد و افرادی که حاضر در دستمزد تصفیة بازار مشغول کار شوند قادر به یافتن فرصت شغلی نخواهند شد. اگرچه در اقتصاد اسلامی، بیکاری غیر ارادی مردود است و هر کس باید دست‌کم به اندازه نیازهای مادی و معنوی‌اش دستمزد داشته باشد؛ اما وجود روحیه اعتقاد به روزی مقدر، موجب کاهش بیکاری غیر ارادی می‌شود. اعتقاد به روزی مقدر همچنین سبب پدید آمدن آرامش در تمام آحاد می‌شود و افراد با دلگرمی به فعالیت می‌پردازند.

ج. نکوهش فقر

در روایات معصومین^ع دو نگرش متفاوت نسبت به فقر مطرح شده است. در برخی روایات از فقر تمجید شده است. حضرت رسول^ص فقر را زینت انسان در قیامت و از گنجینه‌های الهی و کرامتی از سوی پروردگار می‌دانند (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق، ح ۱۶۰۱۵). در مقابل، پاره‌ای از روایات، به نکوهش فقر پرداخته‌اند. رسول اکرم^ص می‌فرمایند: پرورگارا، از کفر و فقر به تو پناه می‌برم! مردی پرسید: آیا این دو در یک ردیفند؟ فرمود: بلی (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق، ح ۱۵۹۸۵).

فقر موجب لغزش‌های اخلاقی زیادی می‌شود؛ تمرکز انسان را از بین می‌برد، انسان را دچار سستی اراده می‌کند و احساس حقارت ایجاد می‌کند. فقیر در بسیاری اوقات تحقیر و فراموش می‌شود و در انزوا قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که به او بها داده نمی‌شود. بر این اساس می‌توان برای روایت‌های پیشین تفسیر درستی یافت. اگر انسان به اندازه توان بکوشد اما به علل گوناگون مانند کمبود امکانات، ضعف

محبوبیت، نفوذ کلام، شادی و شادکامی، دارای آثار اقتصادی نیز هست که در برخی روایات به آن اشاره شده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: گنج‌های روزی در وسعت اخلاق نهفته است (محمدی ری‌شهدی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۳۴، ح ۵۰۷۹). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اخلاق نیکو روزی را افزایش می‌دهد» (محمدی ری‌شهدی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۳۴، ح ۵۰۷۵).

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نیکی کردن و خوش‌خویی خانه‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند» (محمدی ری‌شهدی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۳۴، ح ۵۰۷۷). بنابراین، حسن خلق همراه نیکی کردن، موجب آبادانی خانه‌ها و افزایش عمر می‌شود. احتمالاً منظور از «آبادانی خانه‌ها»، خانواده‌هاست؛ زیرا حسن خلق همدلی و محبت را در بین افراد خانواده می‌افزاید و برای خانواده آرامش ایجاد می‌کند. طول عمر نیز یکی از عوامل چهارگانه شاخص توسعه انسانی است که با شاخص «امید به زندگی» محاسبه می‌شود. افزایش طول عمر موجب افزایش شاخص امید به زندگی و شاخص توسعه انسانی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی می‌شود.

کارکردهای اقتصادی رعایت اخلاق اسلامی

رعایت آموزه‌های اخلاقی اسلام کارکردهای اقتصادی فراوانی دارد. از جمله این کارکردها می‌توان به کاهش هزینه مبادله، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش شفافیت بازار، هموار شدن کارکرد اقتصاد، افزایش کارایی سیاست‌گذاری دولت و مقابله با شکست بازار اشاره کرد.

الف. کاهش هزینه مبادله

رویکرد «هزینه مبادله» توجه زیادی به فضای کسب و کار و روابط داخلی سازمان‌ها (بنگاه‌ها) در مقابل روابط بازاری دارد. بر اساس تعریف «هزینه مبادله هزینه‌های آشکار و پنهانی است که در جریان یک مبادله به وجود می‌آید» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱، ص ۱). بر اساس عقیده نهادگرایان هر تصمیمی متأثر از هزینه‌های مبادله آن است. محیط نهادگرایان در هر اقتصاد، تعیین‌کننده هزینه مبادله همه فعالیت‌ها، از جمله سرمایه‌گذاری و کارآفرینی است. بنابراین، یکی از علل نامناسب بودن محیط کسب و کار و بهره‌وری پایین عوامل تولید، محیط نهادی در هر اقتصاد است (امیری و یارمحمدیان، ۱۳۹۰). «نهادها»، قواعد بازی در جامعه‌اند. به عبارت دیگر، نهادها قیودی هستند که در روابط متقابل انسان‌ها شکل می‌گیرند (نورث، ۱۳۷۷، ص ۱۹). ویلن را می‌توان اولین نهادگرا در زمینه اقتصاد دانست. وی نهادها را این‌گونه تعریف می‌کند: «عادت‌های ایجاد شده در ذهن هستند که بین عموم مردم

توسط خودشان برطرف می‌شود. برای مثال، اگر کارخانه‌ای موجب آلودگی هوا برای ساکنان اطراف کارخانه می‌شود، مدیرکارخانه خود را جای ساکنان آن منطقه تصور می‌کند و مانع آلودگی شده یا خسارات را جبران می‌کند. یا اگر دولت از او درخواست خسارت کرد با رغبت پرداخت می‌کند.

در سطح دولت نیز زمانی که دولت‌مردان خود را از مردم بدانند، تصمیم‌هایی خواهند گرفت که به نفع ایشان است، این موجب می‌شود اعتماد بین دولت و مردم افزایش یابد و سیاست‌ها با کارایی بالاتری اثرگذار باشند.

انصاف غیر از آثار اقتصادی، دارای آثار فراوان دیگری نیز هست. برای مثال، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: هر کس بین مردم و نفسش انصاف را رعایت نماید، خداوند بر عزت او می‌افزاید موجب زیاد شدن دوستانش زیاد می‌شوند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ح ۹۱۰۰)، انصاف موجب راحتی (همان، ح ۹۱۱۳) و دوام محبت (همان، ح ۹۱۱۴) و برداری (همان، ح ۹۱۲۴) و تألیف قلوب (همان، ح ۹۱۱۵) و رفع اختلاف (همان، ح ۹۱۱۶) می‌گردد.

هر چند در اقتصاد متعارف نیز از انصاف بحث می‌شود، این مفهوم تفاوتی اساسی با مفهوم انصاف در فرهنگ اسلامی دارد. مفهوم انصاف در اقتصاد متعارف در چارچوب نفع‌طلبی معرفی می‌شود.

ه. حُسن خُلق

حسن خلق نیز یکی از آموزه‌های خاص اخلاق اقتصادی اسلام است. هر چند در اقتصاد متعارف نیز به این فضیلت اخلاقی توجه شده، رویکرد غالب آن اصالت سود و به‌کارگیری آن در خدمت بیشینه‌سازی منافع فردی است.

در فرهنگ اسلامی حسن خلق به معنای نرم‌خویی و گشاه‌رویی در تمام روابط اجتماعی به خصوص مبادلات اقتصادی است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «تَلِّينُ جَانِبِكَ وَ تَطْيِيبُ كَلَامِكَ وَ تَلْقَى اخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ»؛ (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۲۵۳)؛ حُسن خلق آن است که برخوردت را نرم کنی، و سخنت را پاکیزه سازی، و برادرت را با خوش‌رویی دیدار نمایی. گشاده‌رویی از بارزترین صفاتی است که در معاشرت‌های اجتماعی موجب نفوذ محبت شده، در تأثیر سخن اثری شگفت‌انگیز دارد. به همین سبب، خدای مهربان پیامبران و سفیران خود را انسان‌هایی عطوف و نرم‌خو قرار داد تا بهتر بتوانند در مردم اثر بگذارند و آنان را به سوی خود جذب کنند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند چهل سال پیامبرش را ادب نمود. هنگامی که ادب او را تکمیل کرد به او فرمود: «إِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶۵). حسن خلق به غیر

تجربه تاریخی و بروز بحران‌ها در جوامع سرمایه‌داری نشان داده است در نمونه‌های بی‌شماری، حاکمیت اصالت نفع شخصی به منفعت اجتماعی منجر نمی‌شود. حاکمیت روحیه انصاف سبب افزایش امنیت تمامی کارگزاران شده، سرمایه اجتماعی را ارتقا می‌بخشد. حسن خلق و روحیه کمک به دیگران نیز همین نقش را دارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: اخلاقیات اقتصادی یاد شده هرگونه رفتاری را که منجر به کاهش اعتماد طرفین شود، از جمله دروغ، کم‌فروشی، طلب سود بیش از حد، رفتار انحصارطلبانه در فروش، و تبلیغات ناصحیح را ناپسند می‌داند، و رفتارهایی را که منجر به بالا رفتن اعتماد طرفین معامله می‌شود پسندیده می‌شمارد. از جمله این رفتارها، ارائه اطلاعات درست، بیان کامل ویژگی‌های کالا، و دخالت نکردن در معامله دیگران است.

با وجود تأکید اسلام بر رعایت موازین و احکام اخلاقی در زندگی روزمره و روابط اجتماعی و اقتصادی، به ندرت مشاهده می‌شود که اعتماد، بر معاملات و روابط اقتصادی حاکم باشد. علت مشاهده نشدن چنین بازارهایی در کشورهای اسلامی را می‌توان رعایت نشدن موازین اخلاقی توسط دو طرف معامله دانست. برای مثال، بازاری را تصور کنید که به سبب رعایت اخلاق و تعهدهای اخلاقی، اعتماد کامل وجود دارد و روابط مبتنی بر اعتماد کامل بین افراد شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، اگر کسی با سوء استفاده از اعتماد دیگران، اقدام به کلاهبرداری کند، موجب شکسته شدن اعتماد در آن بازار می‌شود. در طرف مقابل نیز فروشنده ممکن است به سادگی اعتماد خود به همه افراد را از دست دهد، به‌گونه‌ای که حتی برای معتمدترین افراد، اعتباری قابل نباشد. در این شرایط، چرخه‌ای از بی‌اعتمادی شکل می‌گیرد که روزبه‌روز بر آن افزوده می‌شود.

ج. افزایش شفافیت در بازار

وجود بازار رقابت کامل در اقتصاد یکی از فروض اساسی در تحلیل‌های تعادل است. بازار رقابت کامل دارای شرایطی است از جمله وجود تعداد بی‌شماری بنگاه و فروشنده است که نمی‌توانند بر قیمت تأثیر بگذارند. وجود کالای همگن، جریان اطلاعات کامل و شفافیت در اطلاعات از جمله شرایط دیگر این بازار است. از نظر *آدام اسمیت*، دولت می‌باید برای تأمین شرایط رقابت و تحقق کارایی در اقتصاد دخالت کند. این در حالی است که عاملان اقتصادی در بینش سرمایه‌داری به دنبال نفع شخصی هستند و در صورتی که از پنهان کردن اطلاعات یا ارائه اطلاعات غلط منفعتی کسب کنند، بدون شک، بدان اقدام خواهند کرد. انگیزه مخفی کردن اطلاعات چنان است که بخش عظیمی از مطالعات اقتصاد رفتاری به پدیده «اطلاعات نامتقارن» و ناکارایی‌های ناشی از آن، از جمله «کژ رفتاری» و «کژ گزینی» می‌پردازد.

مشترک‌اند» (وبلن، ۱۹۱۹، ص ۳۱۴). بنابراین، نحوه شکل‌گیری نهادها، هزینه مبادله را شکل می‌دهد. ویلیامسون برای اندازه‌گیری هزینه مبادله، بر هزینه‌های تقلب و رفتارهای فرصت‌طلبانه تمرکز کرده است. (ویلیامسون، ۱۹۷۹)

ریکتر «هزینه مبادله» را به عنوان هزینه تحقیق و کسب اطلاعات، هزینه تصمیم و داد و ستد، و هزینه اجرا و سیاست‌گذاری تعریف می‌کند (ریکتر، ۲۰۰۸).

اخلاق اسلامی و رعایت اخلاق اقتصادی موجب کاهش هزینه مبادله می‌شود. روشن است که حاکمیت روحیه زهد در جامعه و اعتقاد به رزق مقدر زمینه وابستگی به موقعیت‌ها و انجام اقدامات فرصت‌طلبانه را بدون تحمیل هزینه از بین می‌برد. هیچ کس دوست ندارد دیگران با وی رفتارهای ناشایست - از قبیل آنچه ذکر شد - داشته باشند. از این رو، در اثر حاکمیت روحیه «انصاف» خودش نیز مرتکب تقلب، دورویی، دروغ، ارائه نکردن اطلاعات درست، و هیچ‌گونه رفتار ناشایستی نمی‌شود که منجر به غش در معامله شود. در صورتی که در یک بازار این احکام اخلاقی رعایت شود، دیگر نیازی به پرداخت هزینه‌های جلب اعتماد، هزینه مقابله با ناطمینانی‌های ناشی از تقلب و کلاهبرداری و سایر هزینه‌ها نیست.

ب. افزایش سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی چیزی فراتر از سرمایه فیزیکی و انسانی است. این سرمایه از واکنش اجتماعی میان عاملان اقتصادی شکل گرفته و انباشته می‌شود. تعاریف متعددی برای سرمایه اجتماعی بیان شده است. برای مثال، پوتنام سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی تشکیل شده است از اعتماد، ارزش‌ها و شبکه‌هایی که همکاری برای دستیابی به منافع دوجانبه را تسهیل می‌کند.» مطالعات زیادی برای بررسی و اندازه‌گیری تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد مثبت اقتصاد و عوامل اقتصادی وجود دارد که از آن جمله، می‌توان به مطالعات *ناک* و *کیفر* (۱۹۹۷)؛ *زاک* و *ناک* (۲۰۰۱)؛ *ناک* (۲۰۰۲)؛ *جانکاسکاس* و *شپوتین* (۲۰۰۷)؛ و *کیسی* و *کریست* (۲۰۰۲) اشاره کرد.

آنچه مسلم است اینکه اعتماد یکی از رکن‌های اساسی در همه تعاریف، «سرمایه اجتماعی» است. از یک‌سو، رعایت اخلاقیات اقتصادی منجر به مستحکم شدن اعتماد بین طرفین معامله در بازارهای اسلامی می‌شود. ریشه اصلی مشکلاتی که در مسیر دستیابی به منافع دوجانبه وجود دارد، اصالت دادن منافع شخصی از هر طریقی است. هرچه درجه زهد و عدم وابستگی به مطامع مادی و اعتقاد به رزاقیت خداوند بالاتر برود، این مشکل به نحو بهتری حل شده و در نتیجه، سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد.

اثر هموارکنندگی در هنگام بروز دوره‌های قحطی در اقتصاد نیز عمل می‌کند. در این دوران، کمبود کالا موجب افزایش قیمت شده، کالای دچار قحطی کارکرد سرمایه‌های پیدا می‌کند. در این شرایط، عاملان حداکثر کننده سود برای کسب سود یا برای مقابله با زیان‌های احتمالی اقدام به احتکار کالا می‌کنند. این در حالی است که از نظر اخلاق اقتصادی اسلامی، احتکار و کنز کالا به هر اندازه که باشد، ناپسند شمرده شده، رعایت آن موجب کاهش نوسان‌های قیمتی می‌شود.

تحلیل کارکرد زهد، اعتقاد به رزق مقدر و تنظیم روابط خود با دیگران بر اساس انصاف و حسن خلق در این زمینه نیز روشن است. امام صادق علیه السلام هنگام بروز قحطی در مدینه، دستور دادند مواد غذایی مرغوبی را که ابتدای سال خریداری کرده بودند و برای چند ماه کافی بود در بازار بفروشند و نیاز خود را روزانه از بازار تهیه می‌کردند (حر عاملی، ۱۳۷۳، ج ۱۷، ص ۴۳۶).

ه. افزایش کارایی سیاست‌گذاری دولت

دولت برای رسیدن به اهداف خود، از انواع سیاست‌های اقتصادی استفاده می‌کند. در اقتصاد متعارف، دو دسته سیاست «قیمتی» و «مقداری» وجود دارد. «سیاست قیمتی» از طریق تغییر قیمت‌های نسبی و یا انتقال قید بودجه از طریق انواع یارانه‌ها و مالیات‌ها عمل می‌کند. «سیاست مقداری» با تعیین جیره‌بندی، توزیع کالا برگ و محدودیت‌های مقداری از طریق بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل اعمال می‌شود. در نظامی که رعایت اخلاق در تابع مطلوبیت افراد قرار دارد یا به عبارت دیگر، مطلوبیت نهایی رعایت اخلاق مثبت است، دولت‌ها می‌توانند از طریق ارائه و یا تحت تأثیر قرار دادن الگوهای اخلاقی جامعه بر رفتار عاملان اثر بگذارند. برک و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند زمانی که افراد خود را بخشی از جامعه می‌دانند و مشارکت خود در ارائه کالای عمومی را به عنوان ارزش اخلاقی تلقی می‌کنند، دولت می‌تواند به طور غیرمستقیم از طریق معرفی الگوی ایده‌آل بر عرضه کالای عمومی تأثیر بگذارد. سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حکومت کوتاه خود، در زمان‌هایی که در کوفه بودند، این بود که هنگام صبح به تک تک بازارها می‌رفتند، و آنها را به رعایت موازین شرعی و اخلاقی دعوت می‌کردند و سپس به امور حکومت می‌پرداختند.

و. مقابله با شکست بازار

در اقتصاد رفاه، قضایای بسیاری وجود دارد که اثبات می‌کند زمانی که همه بدون توجه به دیگران، به دنبال نفع شخصی هستند و بازار در شرایط رقابت کامل است، تخصیص منابع از نظر اجتماعی

در بازاری که مبتنی بر موازین و احکام اخلاقی اسلام شکل گرفته باشد، نه تنها ارائه اطلاعات نادرست مذموم است، بلکه حتی از ارائه ندادن اطلاعات کامل و درست در خصوص کالای معامله نهی شده است. بنابراین، فروشنده مزین به موازین اخلاقی فروشنده‌ای است که اطلاعات کاملی از جنس معامله ارائه می‌دهد، حتی اگر خریدار نسبت به آن بی توجه و یا غیر حساس باشد.

ریشه اصلی مخفی نمودن اطلاعات در فعالیت‌ها نیز کسب درآمد از هر طریق ممکن و منحصر دانستن اسباب کسب درآمد در عوامل مادی و ترجیح خود بر دیگران است. حاکمیت آموزه‌های اخلاقی مذکور سبب شفاف شدن فعالیت‌های اقتصادی توسط فعالان می‌شود. این امر به صورت صریح نیز در فرموده پیشوایان آمده است. فرموده حضرت رسول صلی الله علیه و آله در خصوص لزوم رعایت پنج امر - که پیش از این ذکر شد - یکی از این نمونه‌هاست. سفارش‌های اخلاقی در این زمینه به ضمیمه آنچه در باره انواع اختیارات آمده است، فضای شفاف برای فعالان اقتصادی فراهم خواهد نمود.

د. اثر هموارکنندگی اخلاق

یکی از ویژگی‌های ذاتی نظام سرمایه‌داری وجود چرخه‌های تجاری است که در دوره‌های گوناگون، اقتصاد را با رکود و رونق مواجه می‌کند. وجود چرخه‌های تجاری موجب نوسان‌های اقتصادی شده، اقتصاد را بی ثبات می‌کند. در مقابل، یکی از وظایف بانک‌های مرکزی و سیاست‌گذاران پولی در هر کشور، هدایت اقتصاد به سمت اقتصاد باثبات از طریق سیاست‌های پولی مناسب است تا بتوانند در حد امکان از نوسان‌ها بکاهند و - به اصطلاح - موجب هموار شدن رشد اقتصادی شوند.

از جمله علل ایجاد نوسان‌های اقتصادی، وجود سازوکارهای تشدید کننده نوسان در سطح کلان و دنباله‌روی عاملان اقتصادی از نفع شخصی در سطح خرد، است. در نظام اقتصادی اسلام، که در آن احکام و موازین اخلاقی رعایت می‌گردد، رفتار عاملان اقتصادی اثراتی در جهت مخالف نوسان‌های اقتصادی دارد. به این نوع آثار محدود کننده «اثر هموارکنندگی» گفته می‌شود. در دوره‌های رکود اقتصادی، به سبب کاهش تقاضا و کاهش تولید، بنگاه‌های حداکثر کننده سود نیروی کار خود را تعدیل می‌کنند. اخراج کارکنان موجب می‌شود درآمد خانوارها کاهش یابد و بنابراین، مصرف و تقاضا بیشتر کاهش یابد. این امر به تشدید رکود می‌انجامد. اما بنگاه‌هایی که صرفاً حداکثر سازی سود را معیار عمل خود قرار نمی‌دهند، خود را فقط واسطه‌ای بین خداوند و سایر بندگان خدا می‌دانند و توفیق ارتزاق خانوار مسلمان را ارزشی اخلاقی تلقی می‌کنند. این بنگاه‌ها با اخراج نکردن کارکنان، مانع کاهش درآمد خانوار می‌شوند و با ایجاد تقاضای مؤثر، موجب خروج از رکود اقتصادی می‌شوند.

سوختهای فسیلی، و تخریب محیط زیست به علت شکست بازار، به خاطر نبود بازارهای بین زمانی است. مسلماً علت پدید آمدن چنین نتیجه‌ای رعایت نکردن حقوق نسل‌های آینده توسط نسل حاضر است و در یک جامعه‌ی مزین به اخلاق، چنین مشکلی نباید وجود داشته باشد.

امروزه در ادبیات اقتصادی، مقابله با شکست بازار در زمینه‌های گوناگون، با وارد کردن اخلاق در الگوهای اقتصادی صورت می‌گیرد. اخلاق اسلامی نیز با احکام و توصیه‌هایی که دارد، در بیشتر حالات شکست بازار، موجب بهبود تخصیص منابع می‌شود. ارزش‌های اخلاقی مانند کراهت شکایت از کمی سود، نکوهش تبلیغات، مداخله نکردن در معامله‌ی دیگران، نهی از دلالتی‌های مخمل، نفی رفتار انحصارگرایانه، ارزش‌های اخلاقی سود، توجه به حقوق نسل‌های آینده و رعایت حقوق بین نسلی، منجر به از بین رفتن ناکارایی ناشی از پدیده‌ی شکست بازار در موارد مزبور خواهد شد.

شرایط تأثیرگذاری اخلاق بر کارکرد اقتصادی

لازمه‌ی تأثیرگذاری اخلاق بر رفتارهای اقتصادی و وضعیت‌های تعادلی اقتصاد، وجود شرایط خاص است. صفت بارز اخلاقیات، «اختیاری بودن» آنهاست. وجود اختیار و علاقه‌ی قلبی به فضیلت اخلاقی برای قرب الهی محرک اخلاق است و مشاهده‌ی رفتارهای به ظاهر اخلاقی از روی جبرهای قانونی و هنجاری نمی‌تواند همانند رعایت اخلاق از روی صدق دل، بر اقتصاد مؤثر باشد. برای مثال، وقتی از تأثیر اخلاق بر هزینه‌های مبادله یا تأثیر آن بر سرمایه‌ی اجتماعی صحبت می‌شود، منظور اخلاقی است که نه به موجب قانون - که هزینه‌بر است - بلکه به موجب نیروهای محرک درونی سر می‌زند و موجب بروز رفتارهای اخلاقی بدون واسطه‌ی محرک‌های خارجی می‌شود.

شرط دیگر، فراگیری اخلاق است. موازین اخلاقی زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که به طور فراگیر؛ در جامعه رواج یابند؛ زیرا بد اخلاقی دارای سرریزهای اجتماعی منفی است و بروز بد اخلاقی از یک فرد می‌تواند بر میزان اخلاق سایر افراد و میزان تصور مردم از اخلاق سایرین اثرگذار باشد. برای مثال، خلف وعده یک نفر در یک بازار ممکن است اعتماد به کل بازار را خدشه‌دار کند و حتی پدیدار شدن بی‌اعتمادی در یک بازار، موجب به وجود آمدن نااطمینانی می‌شود و این نااطمینانی به سایر بازارها سرایت خواهد کرد. بنابراین، در شرایطی که حتی عده‌ی زیادی از عاملان اخلاقی عمل می‌کنند، وجود بی‌اخلاقی در قسمت کوچکی از اقتصاد می‌تواند آثار منفی بر کل بازار بگذارد. زیرا محاسبه‌ی میزان اخلاق یک عامل (برای مثال، فروشنده) از نظر ناظر بیرونی (خریدار) تحت تأثیر رفتار سایر عاملان (فروشنندگان) قرار می‌گیرد؛ این امر نوعی از پیامدهای خارجی منفی در حوزه اخلاق اقتصادی است.

کاراست. اما اقتصاد همیشه به این وضعیت نمی‌رسد و با پدیده شکست بازار مواجهه می‌شود. در اقتصاد، انواع گوناگونی از شکست بازار وجود دارد که به طور عام، می‌توان پنج دسته را از هم تفکیک کرد: شکست بازار دارایی‌های مشترک؛ شکست بازار اثرات خارجی؛ شکست بازار کالای عمومی؛ شکست بازار به خاطر وجود قدرت انحصاری؛ و شکست بازار به خاطر عدم وجود بازار.

«شکست بازار دارایی مشترک» زمانی رخ می‌دهد که افراد گوناگونی از یک دارایی مشترک بهره‌برداری کنند. برای مثال، این اتفاق در باره‌ی ذخایر نفت مشترک بین کشورهای گوناگونی رخ می‌دهد و موجب تخصیص ناکارا می‌شود. بهره‌برداری از ذخایر ماهی یک دریاچه توسط ماهی‌گیران، ممکن است منجر به بهره‌برداری بیش از حد از ذخایر شود و منجر به انقراض نسل ماهی‌ها گردد. اما این اتفاق تنها به خاطر روحیه‌ی حداکثر سازی عاملان و بهره‌برداران از آن دارایی مشترک رخ می‌دهد.

«اثرات خارجی» عواملی هستند که عاملان اقتصادی و تصمیم‌گیرندگان به آن‌ها بی‌توجهند و در تصمیمات خود، آنها را منظور نمی‌کنند. این پدیده نیز به خاطر بی‌توجهی عاملان اقتصادی به حقوق دیگران و زیاده‌خواهی آنان رخ می‌دهد.

«کالاهای عمومی» آن دسته از کالاهایی هستند که به سبب ویژگی‌های خاصی که دارند، بخش خصوصی قادر به سرمایه‌گذاری و تولید آنها نیست. معمولاً نفع این کالاها به افراد جامعه می‌رسد و از این رو، داشتن روحیه‌ی کمک به دیگران در تولید این کالاها نقش مهمی ایفا می‌کند.

«قدرت انحصاری» زمانی رخ می‌دهد که بازار به صورت انحصاری یا انحصار چند جانبه است. در این حالت، تولید کننده‌ی کالا از طریق تعیین مقدار تولید، بر قیمت بازار اثر می‌گذارد. در چنین شرایطی، به سبب آنکه بنگاه‌ها به دنبال حداکثر سازی سود هستند، کارایی اقتصادی و تخصیصی رخ نمی‌دهد.

برخی کالاها به سبب نداشتن بازار، به گونه‌ای تخصیص می‌یابند که از وضعیت بهینه فاصله دارند. برای مثال، برای هوای پاکیزه بازاری وجود ندارد. بنابراین، افراد بدون تحمل هزینه‌های آلوده کردن هوا، اقدام به رفتارهایی می‌کنند که موجب آلودگی و صدمه به همه‌ی افراد جامعه می‌شود. نبود بازار در دوره‌های زمانی گوناگون نیز مبتلا به بیشتر کالاهاست و موجب تخصیص بین زمانی غیر بهینه میان نسل‌های گوناگون می‌شود؛ زیرا برای این کالاها بازار بین زمانی وجود ندارد. در حالی که اگر بازار بین زمانی برای هر دوره از زمان وجود داشت، کالاهای نسلی از نظر تخصیص بین نسلی به صورت کارا تخصیص می‌یافتند. گرم شدن کره‌ی زمین، استفاده‌ی بیش از حد از منابع طبیعی، جنگل‌ها و

نتیجه گیری

بررسی کارکرد اخلاق اقتصادی اسلام نیازمند بررسی کارکرد آموزه‌های اخلاقی آن است. در این مقاله بین دو دسته از آموزه‌های اخلاقی مشترک با اقتصاد متعارف از جمله تشویق به کار و تلاش و آموزه‌های اخلاقی خاص همچون سفارش به زهد، نکوهش از اقبال به دنیا و توصیه به قناعت تفکیک شد.

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که آموزه‌های اخلاقی خاص اقتصاد اسلامی نه تنها موجب ایجاد اختلال در نظام اقتصادی نمی‌شود، بلکه عملکرد آن را بهبود می‌دهد. نهادینه‌شدن آموزه‌های اخلاق اقتصادی اسلامی در جامعه موجب کاهش هزینه مبادله، افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت شفافیت بازار و بهبود اثرگذاری سیاست‌های اقتصادی می‌شود.

تأثیرگذاری آموزه‌های اخلاق اقتصادی اسلام بر تقویت کارایی و عدالت متأثر از ظرفیت اسلام در ایجاد تحول فکری و انگیزشی در عاملان اقتصادی است. این تأثیرگذاری مشروط به فراگیر شدن رعایت هنجارهای اخلاقی در فضای تعاملات اقتصادی است. از این‌رو، بروز برخی ناهنجاری‌های اخلاقی در یک جامعه اسلامی می‌تواند باعث ایجاد اختلال در کارکرد اخلاق اقتصادی شود.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۶، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- الوی، جیمز، ۱۳۸۶، «تاریخچه‌ای از علم اقتصاد در جایگاه علمی اخلاقی»، ترجمه علی نعمتی، اقتصاد اسلامی، ش ۱۹، ص ۱۵۱-۱۸۲.
- امیری، هادی و ناصر یارمحمدیان، ۱۳۹۰، «کنش جمعی و نقش آن در تمکین مالیاتی: نقد نظریه دولت رانتیر و سیاست‌گذاری مالیاتی ایران»، در: پنجمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران.
- اندرل، جورج، ۱۳۸۳، «اخلاق کسب و کار»، ترجمه محمداسماعیل توسلی، اقتصاد اسلامی، ش ۱۳، ص ۱۵۵-۱۸۲.
- تفضلی، فریدون، ۱۳۷۲، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نشر نی.
- جداری عالی، محمد و سیدحسن میرمعزی، ۱۳۹۲، «مدل اسلامی اخلاق مصرف»، اقتصاد اسلامی، ش ۴۶، ص ۵-۳۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- چپرا، محمدعمر، ۱۳۸۴، اسلام و چالش اقتصادی، ترجمه سیدحسن میرمعزی و همکاران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حر عاملی، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعة (آل البیت)، ج دوم، قم، مؤسسه آل البیت (ع).
- خاندوزی، سیداحسان، ۱۳۸۵، «نقش بسترسازی اخلاقی در توسعه اقتصادی»، اقتصاد اسلامی، ش ۲۱، ص ۱۲۹-۱۵۵.
- رحیمی بروجردی، علیرضا، ۱۳۹۲، اقتصاد اخلاقی، تهران، نور علم.
- رضایی، مجید، ۱۳۸۲، «زهد و قناعت»، دانشنامه امام علی (ع)، ج دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ژانه، پیر، ۱۳۷۳، اخلاق، ترجمه بدرالدین کتابی، اصفهان، آموزش و پرورش.
- سن، آمارتیا، ۱۳۷۷، اخلاق و اقتصاد، ترجمه حسن فشارکی، تهران، شیرازه.
- کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۰، تاریخ فلسفه، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، سروش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۳، الکافی، ج پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- وبر ماکس، ۱۳۹۰، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، سمت.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، ج سوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۴۱۶ق، میزان الحکمه، قم، دار الحدیث.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، تحلیل هزینه فایده مبادله در اقتصاد ایران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، مجموعه آثار استاد مطهری، تهران، صدرا.
- معصومی نیا، غلامعلی، ۱۳۷۷، بررسی و مقایسه عملکرد بازار کالا و خدمات در سیستم اقتصادی اسلام و سرمایه داری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد اقتصاد نظری، دانشگاه مفید.

- ____، ۱۳۸۶، «اخلاق اقتصادی (مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۶، ص ۱۱۹-۱۴۸.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۰، «اسلام و نظام اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳، ص ۹۱-۱۰۸.
- ____، ۱۳۹۳، «درآمدی بر علم اقتصاد (اقتصاد برکت)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۵۰، ص ۵-۳۰.
- نورث، داگلاس، ۱۳۷۷، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- نمازی، حسین و یدالله دادگر، ۱۳۸۵، *ارتباط اقتصاد متعارف با اقتصاد ارتدکس و اقتصاد مدار*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- هازمن، دی ام، تم اس مک فرسن، ۱۳۸۶، *تجزیه و تحلیل اقتصادی و فلسفه اخلاق*، ترجمه یدالله دادگر و دیگران، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- یارمحمدیان، ناصر و دیگران، ۱۳۹۰، «پیامدهای رفاهی ارائه اطلاعات نادرست توسط دولت»، *اقتصاد تطبیقی*، ش ۲، ص ۱۳۳-۱۵۳.
- Brekke, Kjell Arne & Kverndokk, Snorre & Nyborg, Karine, 2003, "An economic model of moral motivation", *Journal of Public Economics, Elsevier*, V.87, N.9-10, P. 1967-1983.
- Casey, T. & K., Christ, 2002, *Social Capital and Economic Performance in the American States*, Paper was presented on the American Political Science Association Conference.
- Jankauskas, V., & J. Šeputienė, 2007, "The Relation between Social Capital Governance and Economic Performance in Europe", *Teorija i Praktika Business: Theory and Practice*, vol. VIII, No 3, P. 131-138.
- Knack, S. & P. Keefer, 1997, "Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-Country Investigation", *The Quarterly Journal of Economics*, V.112, N.4, P. 1251-1288.
- Knack, S. 2002, "Social Capital and the Quality of Government: Evidence from the State", *American Journal of Political Science*, vol. 46, No. 4, P. 772- 785.
- Richter, Rudolf, 2008, "The Role of Law in the New Institutional Economics", *Washington University Journal of Law & Policy*, V.26. p. 13-36.
- Smith, Adam, 1776, *wealth of nations*, ed. Edwin Cannon, New York; Modern Library.
- Veblen, Thorstein, 1919. *The Place of Science in Modern Civilisation and Other Essays*, New York: B. W. Huebsch.
- Williamson, O.E, 1979, "Transaction Cost Economics: The Governance of Contractual Relations", *Journal of Law and Economics*, vol. 22, P. 62-233.
- Zak, P. G. & S. Knack, 2001, "Trust and Growth", *Economic Journal*, vol. 111, issue 470, P. 295-321.